

بررسی چالش غرر در معامله با رمزارزها (مورد مطالعه بیتکوین)

مجید حبیبیان نقیبی^۱، مرتضی اسدیان لالیمی^۲، محمد علی زحمتکش^۳

۱- استادیار دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی (ره)

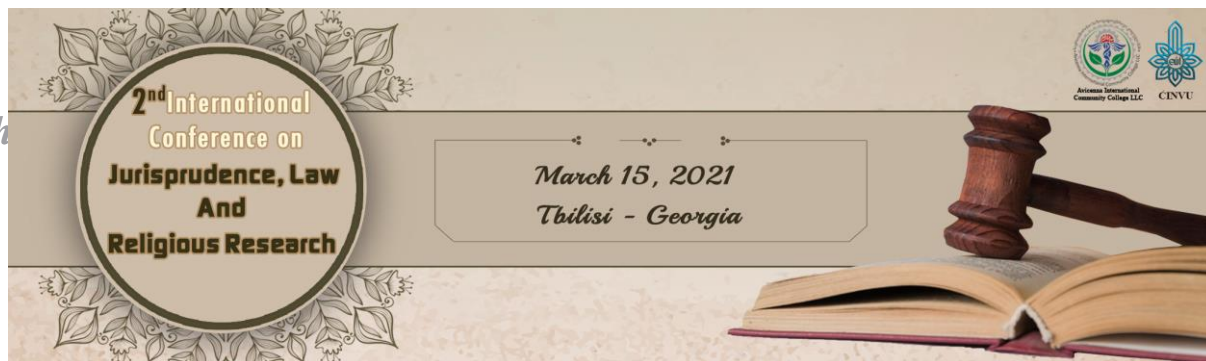
۲- طلبه سطح سوم حوزه علمیه قم (کارشناسی ارشد)

۳- کارشناسی ارشد دانشگاه قم

چکیده

مبادله کالا، نقش بسیار اساسی در زندگی بشر داشته و شکل آن دچار تغییرات فراوانی شده، تا بشر بتواند به راحت‌ترین و امن‌ترین شیوه ممکن، نیازهای خود را برطرف نماید؛ سال ۲۰۰۹ میلادی اقتصاد دنیا شکل جدیدی از معاملات را به خود دید که مشکلات دیگر معاملات را نداشت و توسط *crypto currencies* یا رمزارزها انجام می‌شد؛ رمزارزها به دلیل استفاده از فناوری نظیر به نظیر و عدم توانایی مداخله توسط دولت‌ها و بانک‌ها و همچنین عدم نیاز به واسطه مرکزی و اینکه تمامی فعالیت‌ها مانند انتشار، پردازش و اعتبارسنجی معاملات توسط شبکه انجام می‌شود، به تدریج توانسته است جایگاه بسیار مهمی در مناسبات و معاملات پیدا کند. یکی از مطرح‌ترین اقسام رمزارزها بیتکوین است که امروزه با آن معاملات بسیاری انجام می‌شود و توانسته است سهم بسزایی را در جوامع اسلامی و غیر اسلامی بدست آورد و حجم عظیمی از منابع مالی را به خود اختصاص دهد؛ به همین دلیل لازم است که فقه پویای اسلام نیز موضع خویش را نسبت به این مسأله مستحدثه مشخص نماید. گرچه فقها چالش‌هایی را درباره معامله با رمزارزهایی مانند بیتکوین مطرح نموده‌اند، اما عمده اشکالات آنان متوجه غرری بودن این نوع از معامله است که البته به صورت تطبیقی در این موضوع پژوهشی صورت نگرفته است؛ بنابراین در این پژوهش ابتدا به نظرات فقها درباره غرر خواهیم پرداخت و سپس آن را بر معامله با رمزارزها با محوریت بیتکوین منطبق خواهیم کرد تا به نظر اسلام درباره غرری بودن یا نبودن معامله به واسطه رمزارزها دست یابیم.

واژگان کلیدی: رمزارز، غرر، پول رمزنگاری شده، بیتکوین



مقدمه

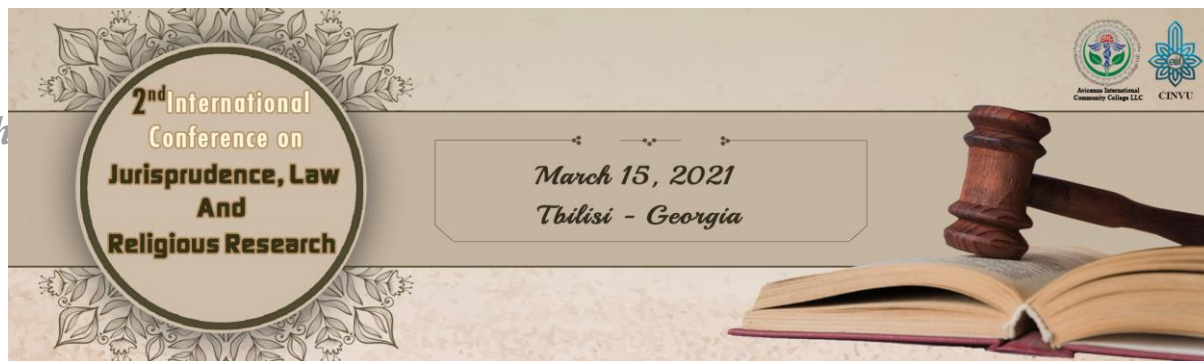
در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی، ایالات متحده آمریکا به شدت با بحران اعتبار مالی روبرو شد؛ بحرانی که بانک‌ها آغازگر آن بودند. وام گیرندگان آمریکایی با فرمول‌هایی برای بازپرداخت بدهی‌های خود روبرو شدند که به نظر آنها عجیب می‌نمود و متناسب با زمان تغییر می‌کرد. در سال‌های اول دریافت وام، سود بازپرداخت آن کم بود و وام گیرندگان مسکن می‌توانستند بدهی خود را پرداخت کنند؛ اما با بالا رفتن نرخ سود وام، بسیاری از آنها مجبور شدند دارایی‌های خود را از جمله مسکن را واگذار کنند که یکی از تبعات این مسأله کاهش قیمت مسکن در آمریکا بود. این مسأله به سرعت در کنار سایر مشکلات اقتصادی، رتبه اقتصادی آمریکا را تحت تأثیر قرار داد و متعاقباً بر بازارهای بورس جهان نیز تأثیر منفی نهاد. زمانی که وام گیرندگان نتوانستند بدهی‌های خود را به دلایل مختلف از جمله بالا بودن نرخ سود آن پرداخت کنند، کل سیستم اقتصادی دچار مشکل شد.

بسیاری از بانک‌های آمریکایی اعم از «گلدمن ساش»، «جی پی مورگان»، «مریل لینچ» و «لهمان برادرز» با بحران عظیم اقتصادی روبرو شدند که در نهایت در ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۸ میلادی با ورشکستگی «لهمان» ضربه بزرگی بر اقتصاد آمریکا وارد شد. در ۶ اکتبر ۲۰۰۸ میلادی بازار بورس پاریس و «داو جونز» شاهد سقوط بزرگ تاریخی بودند که به «دوشنبه سیاه» معروف شد. دولت فرانسه برای کاهش تبعات منفی بحران اقتصادی، مبلغ ده و نیم میلیارد یورو به ۱۰ بانک بزرگ خصوصی کشور تزریق کرد. ایسلند و بانک‌های آن که به تازگی دولتی شده بودند، بعد دیگری از بحران اقتصادی بود که البته این کشور توانست به شکل معجزه‌آسایی خود را از غرق شدن در بحران نجات دهد.

با تسری بحران اقتصادی به کشورهای اروپایی، بسیاری از شرکت‌های مهم تلاش کردند تا بازارهای امن‌تری را برای سرمایه‌گذاری بیابند؛ از این رو استفاده از مواد اولیه از جمله نفت و مواد غذایی رو به افزایش نهاد و قیمت‌ها بالا رفت و در نتیجه بحران مالی، به بحران اقتصادی تبدیل شد. از سویی مصرف به دلیل قیمت بالای اقلام در کشورهای توسعه یافته کم شد.

آرام آرام تعداد کشورهای بیمار افزایش یافت و مشکلات اقتصادی این دوران، متخصصین را به فکر جستجوی راهکاری جدید سوق داد، تا از خلق بی رویه پول و سایر مشکلاتی که دولت‌ها به وجود آورده بودند جلوگیری کنند؛ لذا پولی پدید آمد که به طور ذاتی با اسکناس‌های بانکی تفاوت داشت و یک واحد سنجش جدید، با سازوکاری کاملاً متفاوت و منحصر به فرد به نام «رمزارز» با خود به همراه آورد.

این ایده به تحقیقات «دیوید چام» و «استفان برنرز» در سال ۱۹۸۳ میلادی باز می‌گردد. افرادی چون «آدام بک» تأییدیه کار در شبکه و ساز و کاری برای کنترل هرزنامه‌ها را توسعه دادند تا آنکه «وی دای» پروتکل پول رمزنگاری شده را پیشنهاد نمود. (اسلامی طراقی، صباغ زاده، ۱۳۹۷)



مفهوم رمز ارز به معنای پول رمز گذاری شده، اولین بار در سال ۱۹۹۸ میلادی، در تارنمای شخصی «وی دای» به عنوان یک ایده مطرح شد. مقصود او از این پیشنهاد، تسهیل امور مالی و ایجاد پولی بدون حضور واسطه‌ها بود. (حجازی، زارع، ۱۳۹۷)

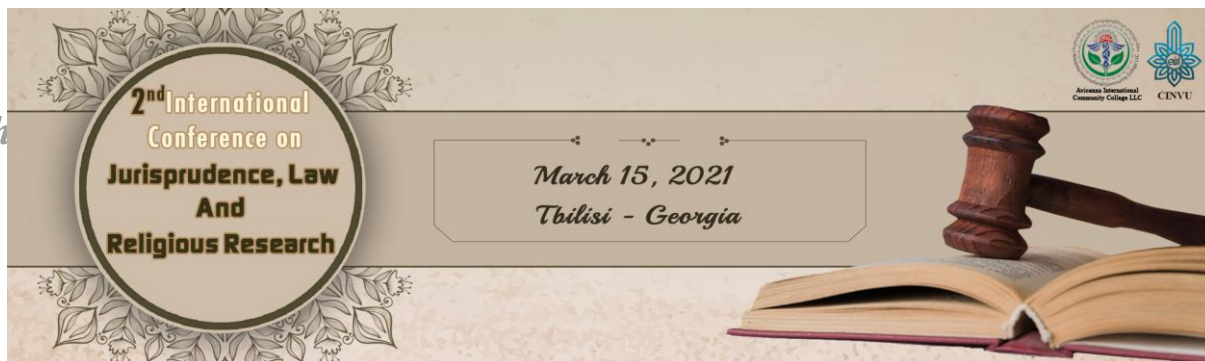
در واقع این ایده به دنبال فعال کردن پولی خودگردان بود که در میان کاربران خود با گستره‌ای جهان شمول و البته مجازی کاربرد داشته باشد و از سوی دیگر، نهادهای حاکمیتی و از جمله بانک مرکزی در کنترل آن دخالتی نداشته باشند. در طول سال‌های مختلف این ایده در قالب‌های مختلف - عموماً توسط متخصصین حوزه فناوری اطلاعات مانند «هال فینی» - پیگیری شد تا اینکه در سال ۲۰۰۹ میلادی، بیتکوین به عنوان اولین واحد یک ارز رمزنگاری شده و نمونه موفق عملیاتی طرح‌های سابق معرفی گردید. (میرغفوری و همکاران، ۱۳۹۷)

در حال حاضر رمزارزها به سرعت در حال فراگیر شدن هستند به طوری تنها قیمت رمزارز بیتکوین علی‌رغم اینکه تنها ۱۸,۶۰۵,۹۰۰ سکه از ۲۱ میلیون سکه استخراج شده است، از ۳۷ هزار دلار فراتر رفته است، و گفته می‌شود اگر استخراج آن به پایان برسد، به دلیل نایابی، ارزش آن بالاتر نیز خواهد رفت (تفقدی اسراری، ۱۳۹۲)؛ با توجه به این حجم از استقبال از رمزارزها و فراگیر شدن آنها بین جوامع اسلامی (رحیمی، بهروزیه، ۱۳۹۷)، بسیاری از فقها و علما و اقتصاددانان حوزه علوم اسلامی درباره آن سخنانی مطرح کرده و از چالش‌هایی نام برده‌اند؛ اما به دلیل مخفی ماندن موضوع شناسی این پدیده مستحدثه، تاکنون فقه پژوهی تطبیقی دقیقی درباره تمام زوایای آن صورت نپذیرفته است. در هر صورت یکی از چالش‌هایی که صرفاً از آن نام برده شده و تحقیق تطبیقی دقیقی پیرامون آن صورت نگرفته، ادعای وجود غرر در این نوع از معامله است، مخصوصاً در بیتکوین که تعدادی از علما به دلیل وجود غرر، معامله با آن را دارای اشکال می‌دانند (سلیمانی پور، سلطانی نژاد، ۱۳۹۶)؛ در این پژوهش، ابتدا به تبیین مساله غرر و زوایای آن، پرداخته خواهد شد، سپس تطبیق آن بر رمزارزها خصوصاً رمزارز بیتکوین مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه تحقیق

در خصوص این موضوع به صورت کامل و به شکل تطبیقی تحقیقی صورت نگرفته است و این از نوآوری‌های این پژوهش است؛ اما به طور کلی درباره رمزارزها و همچنین درباره غرر مطالبی به رشته تحریر در آمده است که ذیلاً عنوان می‌شود:

علیدوست (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «فقه و حقوق قراردادهای (ادله عام روایی)» به روایت «نهی النبی عن بیع الغرر» پرداخته است و آن را از زوایای مختلف مورد بررسی عالمانه قرار داده است و معتقد است که معاملات خطری و ریسک و مبتنی بر احتمال غیر قابل اعتماد، مورد نهی شارع است. ضمناً ایشان ادله غرر را در غیر بیع نیز جاری می‌دانند و همچنین می‌گویند غرر مورد نهی شارع به حوزه ابزارهای مشتقه مالی نیز راه پیدا می‌کند؛ اما نمی‌توان هر نوع قراردادی در این زمینه مانند قرارداد آتی، آتی خاص، قراردادهای اختیار معامله را به دلیل پیش آمد غرر مردود دانست.



علیدوست (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نفی غرر در معاملات» به موضوع نفی غرر و این قاعده مهم پرداخته است، ایشان قائل شده‌اند که اصل در قاعده غرر حدیث معروف نبوی است و بحث از سند به دلیل عمل عالمان شیعه و سنی لازم نیست. معانی غرر و تفاوت آن با چند مسأله دیگر و همچنین نحوه اضافه بیع به غرر و معانی نهی در روایت و همچنین معنای اصلی غرر و شروط تطبیقی آن بر بیع از جمله مواردی است که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

درخشان، برزانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مقایسه‌ای غرر بر اساس نظریه بازی‌ها و نظریه قراردادهای» در عناوین کوتاهی به مسأله غرر نیز پرداخته‌اند.

احمدی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر غرر در معاملات» معامله غرری را معامله توأم با خطر معرفی کرده است که متعاملین در هنگام انعقاد توان تشخیص سودمندی یا زیان‌باری معامله را ندارند.

علیزاده اصل، موسویان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ضابطه غرر در معاملات جدید» غرر را یا ناشی از جهالت و ابهام نسبت به مورد معامله (اصل وجود) و سایر ارکان عقد یا ناشی از خطر یا احتمال وقوع زیانی که از نظر عرف قابل توجه است می‌دانند.

موسویان، علیزاده اصل (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه ریسک و غرر در بازارهای مالی اسلامی» به موضوع پراهمیت غرر و رابطه آن با ریسک پرداخته‌اند و آن را از زوایای گوناگون مورد توجه قرارداد و در انتها رابطه میان ریسک و غرر را متباین دانسته‌اند، به این دلیل که ریسک به معنای بازدهی در آینده است؛ اما بیان می‌دارند اگر ریسک را صرفاً به معنای عدم اطمینان دانستیم، رابطه غرر و ریسک عموم و خصوص مطلق خواهد بود.

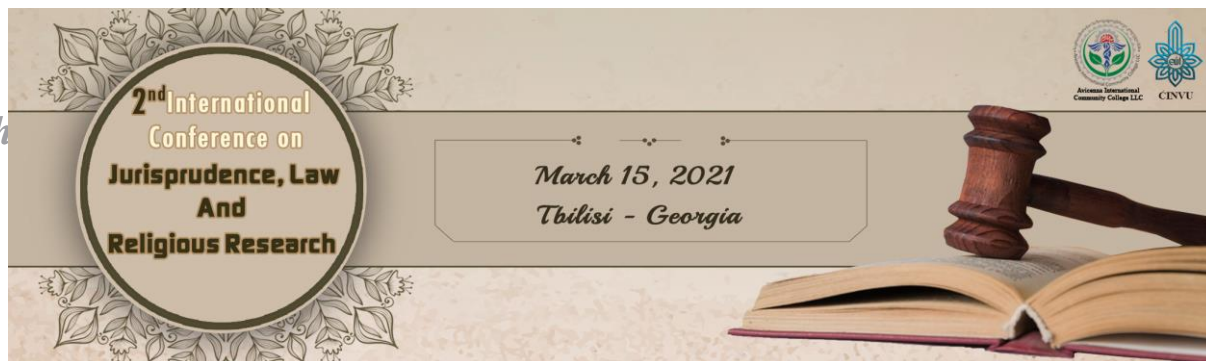
نواب پور و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری شده (مورد مطالعه بیتکوین)» ابتدا با موضوع شناسی و سپس با مطرح نمودن چالش‌های متعدد فقهی و درخواست استفتا از محضر مراجع معظم تقلید به بررسی چالش‌های این پدیده مستحدثه پرداخته‌اند و از زوایای متعدد آن را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اگر چه به دلیل تعدد چالش‌ها، صرفاً به پاسخ و بررسی اختصاری اکتفا نموده و تفصیلاً درباره هر کدام، مباحثی را مطرح نموده‌اند.

سلیمانی پور و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی فقهی پول مجازی به پدیده رمزارزها و مباحثی حول ماهیت اعتباریه آنها و سپس مباحثی درباره پشتوانه پول و به خصوص رمزارزها پرداخته‌اند.

میرزاخانی، سعدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بیتکوین و ماهیت مالی-فقهی پول مجازی» به مسأله رمزارزها پرداخته‌اند و از لحاظ فقهی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ ابتدا مباحث مالیت آن را بررسی نموده و سپس به تبیین ماهیت پول و موضوعاتی چون غرر و ضرر و اختلال نظام و سفته بازی و ... در شبکه بیتکوین پرداخته‌اند.

غرر در لغت

غرر واژه‌ای عربی و دارای معانی مختلف است؛ لغت شناسان غرر را به معنای مختلفی از جمله خطر (زبیدی، ۱۴۱۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ ق)، نیرنگ و غفلت آورده‌اند، خطر را اینگونه معنا می‌کنند که شخص، جان یا مالش را در معرض



نابودی قرار دهد؛ بنابراین «غَرَرٌ بِمَالِهِ» یعنی مال را حمل بر خطر کرد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق). نیرنگ و غفلت آن چیزی است که دارای ظاهری پسندیده و باطنی ناپسند باشد که به همین دلیل نیز دنیا متاع غرور نامیده شده است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق؛ الطریحی، ۱۴۰۳ق و ابن اثیر، ۱۳۶۴) و برخی نیز غرر را هر چیز مستور العاقبه می‌دانند (الضریر، ۱۴۱۰ق). در «اقراب الموارد» به معنای در معرض هلاک افتادن آمده است (شرتونی، بی تا). برخی قاموس‌ها غرر را از مصدر «غراره» به معنای خدیعه و غفلت دانسته‌اند (ابوحیب، ۱۴۲۴).

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که در دیدگاه لغت شناسان، غرر به معنای خطری است که از جهل فراوان و یا اطلاعات ناصواب ناشی شود.

غرر در اصطلاح فقها

فقها درباره واژه غرر در حدیث نبوی «نهی النبی عن بیع الغرر» دچار اختلاف نظر شده‌اند:

۱. دیدگاه شیخ طوسی

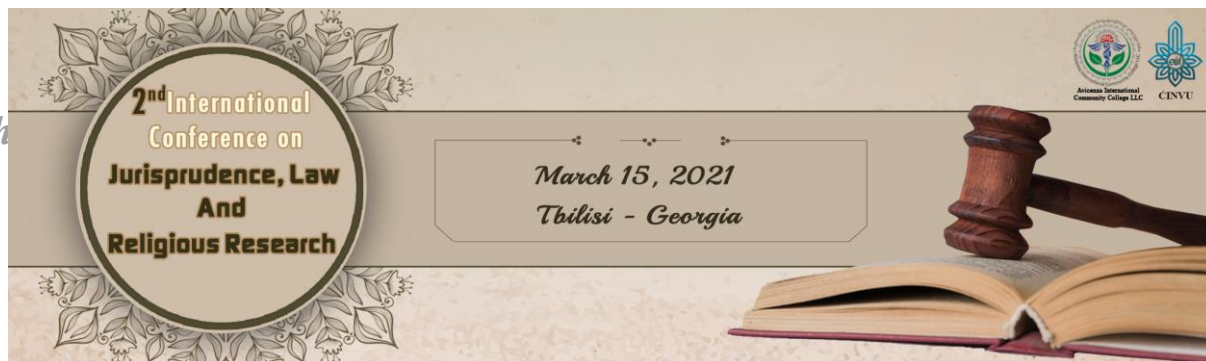
شیخ طوسی با استناد به روایت نبوی، معامله در مواردی همچون ماهی در آب، بچه در شکم حیوانات و... را به دلیل جهالت در وجود مبیع، قدرت بر تسلیم و جهالت در اوصاف مبیع، موجب بطلان بیع و معامله می‌داند و می‌فرماید این موارد موجب غرری گشتن معامله می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷ق). از منظر ایشان ملاک تحقق بیع غرری، وجود جهالت در ارکان معامله (وجود مبیع، اوصاف مبیع، قدرت بر تسلیم و شرایط آن) است.

۲. دیدگاه علامه حلی

علامه حلی در مبحث شرایط بیع به مثال «پرنده در هوا» اشاره نموده‌اند و معامله آن را به دلیل نبود قدرت بر تسلیم، نوعی بیع غرری می‌دانند. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق) از دیدگاه ایشان، وجود علم و آگاهی نسبت به وصف‌های اصلی ثمن و مثنی از شرایط صحت بیع و مجهول بودن این اوصاف موجب غرر است. ایشان در قسمتی از کتاب مختلف می‌فرمایند اگر قیمت بر عهده یکی از طرفین معامله قرار داده شود و تعیین نگردد، این نیز از مصادیق معاملات غرری است؛ زیرا ثمن باید مشخص باشد و این اجماعی است و به دلیل جهالت این معامله غرری محسوب می‌شود؛ در دیدگاه ایشان نیز _مانند دیدگاه شیخ طوسی_؛ جهالت نسبت به وجود موضوع معامله، صفات آن و قدرت بر تسلیم؛ ملاک معامله غرری است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق).

۳. دیدگاه شهید اول

اصولاً شهید اول با بیعی که در آن جهالت وجود داشته باشد میانه خوبی ندارد و آن را باطل می‌داند اگرچه معتقد است رابطه بین غرر و جهل عموم و خصوص من وجه است؛ لذا در برخی از موارد بیع، غرر وجود دارد ولی مورد معامله مجهول نیست؛ مانند بیع حیوان فراری که خصوصیات آن برای هر دو طرف معلوم است؛ همچنین ممکن است مورد معامله مجهول باشد ولی غرر و خطری در بین نباشد؛ مانند خرید و فروش دو کالا از دو جنس مختلف، با مقدار و ارزش



برابر که وزن هیچ یک برای طرفین معلوم نیست و در برخی از معاملات، جهالت و غرر با هم وجود دارد، مانند خرید و فروش بنده فراری که خصوصیات آن نیز نامعلوم است. (شهید اول، ۱۴۰۰ق)

شهید اول نیز عدم وجود جهالت (در وجود مبیع، مقدار مبیع و اوصاف آن) را در خالی بودن معامله از غرر شرط می‌داند و از دیدگاه ایشان ملاک غرر در معاملات، جهالت در ارکان معامله است که می‌تواند موجب نزاع شود لذا برای جلوگیری از این نزاع نباید جهالتی باشد. (شهید اول، ۱۴۱۴ق)

۴. دیدگاه شهید ثانی

شهید ثانی با ذکر مثال‌های گوناگونی همچون عدم جواز خرید و فروش ماهی در گودال یا شیر ندوشیده شده و یا پشمی که بر پشت گوسفند است، وجود جهالت در معامله را موجب غرری شدن و بطلان آن می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۴۱ق)، ایشان در کتاب مسالک الافهام نیز می‌فرمایند وجود جهالت نسبت به عوضین ممکن است منجر به نزاع بشود و لذا این باعث غرری شدن می‌شود و باید معامله از اینگونه جهالت خارج باشد. (شهید ثانی، ۱۴۴۰ق)

۵. دیدگاه شیخ انصاری

شیخ انصاری غرر را از نظر لغوی معادل خطر دانسته و می‌فرماید: «از گفتار اهل لغت اینگونه به نظر می‌آید که در کلیه معانی لغوی که برای غرر آورده شده است، معنای جهالت را نیز مورد نظر داشته‌اند» حال این جهالت می‌تواند به سبب مجهول بودن اصل وجود موضوع معامله (مبیع) یا نبود قدرت بر تسلیم و یا جهل به صفات کمی و کیفی باشد، از نظرایشان مبنای استدلال بسیاری از علما در بحث غرر، حدیث نبوی معروفی که دال بر ممنوعیت معاملات غرری است می‌باشد و نهی شارع نسبت به معاملات غرری به دلیل بسته شدن زمینه مخاطره و تنازع در معاملات است و ممنوعیت غرر به دلیل جهالتی است که منجر به خطر و نزاع بعد از معامله می‌شود. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق).

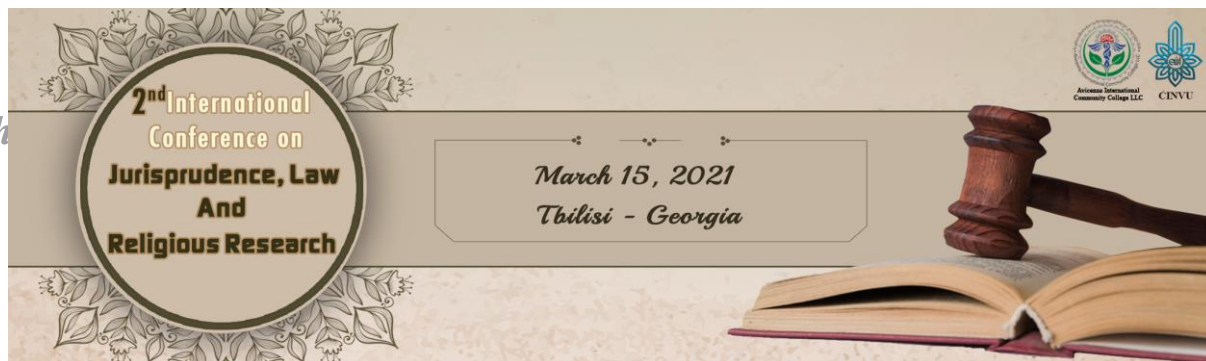
۶. دیدگاه مرحوم نجفی

صاحب جواهر غرر را به معنای خطر و ناشی از جهالت در صفات مبیع و مقدار آن می‌داند؛ نه هر خطری که شامل قدرت بر تسلیم مبیع و یا عدم آن باشد بعلاوه اینکه جهالت منتهی به خطر ملاک تحقق معامله غرری است. (نجفی، ۱۴۰۳ق)

۷. دیدگاه ملا احمد نراقی

ایشان معتقد است بیع غرری زمانی تحقق می‌یابد که یکی از عوضین (مبیع یا ثمن) در معرض هلاکت و تلف یا خطر باشد و اطمینانی نسبت به گرفتن عوضی در مقابل آن نباشد یا اطمینانی به اصل وجود آن کالا نداشته باشند. ایشان جهالتی را موجب مانعیت در صحت می‌داند که منتهی به ایجاد خطر برای عوضین در معامله گردد؛ البته که این خطر، احتمالی است که عرف معمولاً در یک معامله نسبت به وقوع ضرر در آن توجه دارد و به آن اهمیت می‌دهد. (احمد نراقی، ۱۴۱۶ق).

۸. دیدگاه محقق اصفهانی



محقق در باب معنای غرر می‌فرمایند اهل لغت معانی متعددی را آورده‌اند لکن به احتمال زیاد این معانی، معانی حقیقی غرر نیستند و با توجه به موارد استعمال این واژه معنایی نزدیک به خدعه دارد که لازم دائمی آن خطر و مصداق آن چیزی است که ظاهری پسندیده و باطنی ناپسند دارد. (محقق اصفهانی، ۱۴۰۹ق)

۹. دیدگاه امام خمینی

ایشان معنای اصلی غرر را خدعه در نظر گرفته و معتقدند سایر معانی، همگی به خدعه باز می‌گردد و لذا مناسب‌ترین معنای غرری که در حدیث نبوی آمده است را خدعه می‌دانند؛ البته ایشان در ادامه می‌فرمایند معنای خدعه غیر اجماعی است و اجماع بر معنای خطر است و اینکه بتوان معنایی خلاف معنای مورد قبول اجماع علما را قبول کرد امری مشکل است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق).

۱۰. دیدگاه محقق خوئی

بر طبق عقیده ایشان در این مباحث اگر غرر را به معنای خدعه بگیریم، معنای نهی، معادل نهی تکلیفی خواهد بود که در این صورت منجر به فساد معامله نمی‌شود و برخی از اهل لغت نیز بر این معنا صحه گذاشته‌اند؛ البته ایشان بیان می‌کنند که مشهور فریقین معنای خطر را قبول کرده‌اند و تفاوتی هم ندارد که این خطر از ناحیه جهل در قدرت بر تسلیم باشد و یا جهل در اوصاف کمی و کیفی مورد معامله، در هر صورت موجب بطلان معامله می‌شود و در ادامه جهل به وجود را به دلیل معامله چیزی که در ملکیت انسان نیست خارج از مقام و بحث غرر می‌دانند. (خوئی، ۱۴۱۳ق) همچنین ایشان نیز جهالت منتهی به خطر را معیار معاملات غرری می‌دانند. (خوئی، ۱۴۱۰ق)

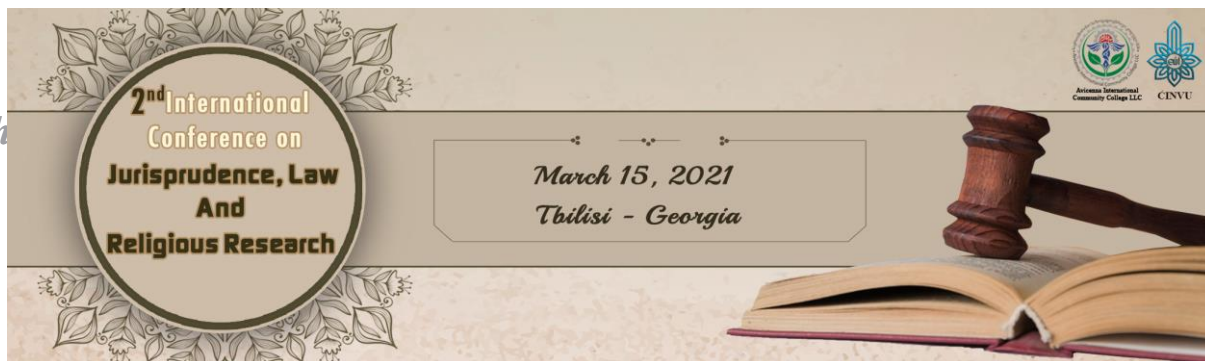
۱۱. دیدگاه جوادی آملی

ایشان غرر در بیع و سایر عقود را به معنای خطر دانسته و منشأ آن را نیز جهل و یا عدم اطمینان خریدار و فروشنده تلقی کرده‌اند و معتقدند: «غرر یعنی خطر، جایی که انسان نمی‌داند چه می‌خرد و یا چه می‌فروشد طمأنینه ندارد، این می‌شود غرر؛ گاهی منشأ جهل است و گاهی لابلالی‌گری فروشنده و یا خریدار؛ همچنین گاهی انسان می‌داند ثمن چیست و ثمن چیست و محدوده همه را می‌داند ولی اطمینان ندارد که آیا این شخص فرار می‌کند یا نه و معامله غرری است.»

(جوادی آملی، ۱۳۹۲)

۱۳. دیدگاه جعفر سبحانی

جعفر سبحانی در باب مصادیق بیع غرری فرموده‌اند: «گاهی جهل به مثنی و یا جهل به ثمن و یا جهل به اجل سبب می‌شود که معامله خطری باشد، نه اینکه غرر به معنای جهل باشد، اینها از اسباب خطری شدن معامله است، نه اینکه غرر به معنای جهل، خدعه و ضرر است، غرر به معنای خطر است» ایشان در ادامه گفته‌اند: «خطر گاهی در وجود است و گاهی در حصول؛ مثلاً گاه می‌گوییم فلانی مرغان هوا یا ماهیان دریا را فروخت، ما اصلاً نمی‌دانیم که آیا در هوا و یا در دریا ماهی و یا مرغی هست یا نیست این از قبیل خطر و غرر در اصل وجود است و گاهی غرر در حصول است یعنی در هوا کفترهای زیادی وجود دارد یا در دریا ماهیان فراوانی موجود است ولی نمی‌دانم که این آدم قدرت پایین آوردن آنها را دارد که به من تحویل بدهد یا نه؟» (سبحانی، ۱۳۸۸).



آنچه از مطالب و دیدگاه‌های فقهای عظام بر می‌آید این است که در بحث غرر سه نظریه عمده وجود دارد: نظریه اول: در معاملات غرری نسبت به ماهیت معامله و ارکان عقد جهالت وجود دارد که این نظریه با دیدگاه علمایی مانند شیخ طوسی، علامه حلی، ابن ادریس و سلار موافق است.

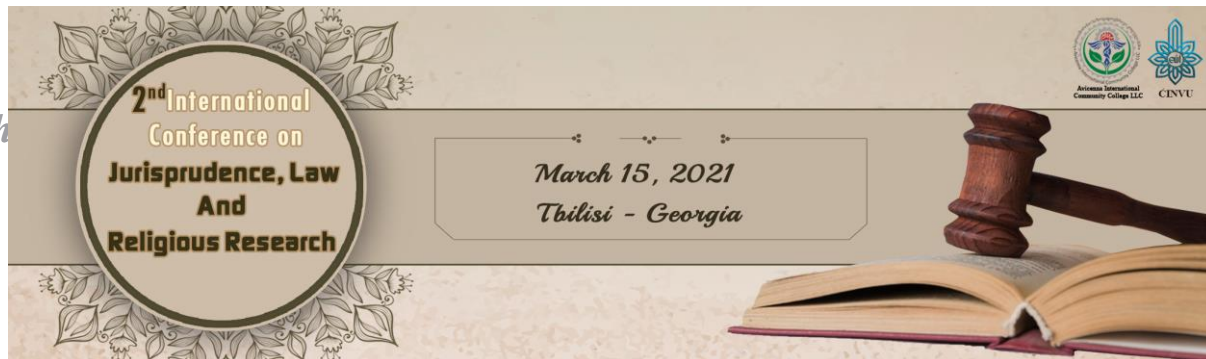
نظریه دوم: ملاک غرر جهالت منتهی به نزاع است؛ مانند آنچه شهید اول، محقق کرکی و شهید ثانی بیان کردند. نظریه سوم: برای تحقق غرر، ملازمه جهالت و احتمال خطر ضروری است و صرف جهالت نمی‌تواند موجب غرر شود. فقهای نظیر صاحب جواهر، شیخ انصاری، ملا احمد نراقی، مراغی، محقق ایروانی، جوادی آملی و سبحانی چنین نظریه‌ای را مطرح کرده‌اند (علیزاده اصل، موسویان، ۱۳۹۴).

تطبیق مصادیق قاعده غرر در کلام فقها

فقها در بحث غرر به مصادیقی که معامله را غرری می‌کند اشاره نموده‌اند؛ البته که غرری بودن یک معامله منحصر در این مصادیق نخواهد بود و صرفاً از باب نمونه است (موسویان، علیزاده اصل، ۱۳۹۴):

۱. ابهام نسبت به اصل وجود عوضین.
 ۲. ابهام در تسلیم یا تسلیم عوضین (قدرت بر تسلیم) قطعی نباشد: مانند فروختن پرندگانی که در هوا رها شده‌اند. (علیدوست، ۱۳۹۵). قدرت بر تسلیم از منظر مشهور فقها شرط صحت بیع است و فقط عده کمی آن را لازم نمی‌دانند (خوئی، ۱۴۱۰ق) و بیشتر قائلان به اشتراط، به حدیث و قاعده نفی غرر استناد می‌کنند و برخی چون امام خمینی رحمه الله حکم مشهور را می‌پذیرند. (علیدوست، ۱۳۹۴)
 ۳. ابهام نسبت به اوصاف عوضین (جنس، نوع، اوصاف، مقدار) (علیدوست، ۱۳۹۴): مانند خرید خانه‌ای که اوصاف اصلی آن، همچون مقدار زیربنا یا تعداد طبقات یا نوع مصالح به کاررفته یا مکان آن تعیین نشده است. مشهور فقها عقیده دارند که علم تفصیلی متعاقدين به مقدار و کیفیت عوضین، شرط صحت بیع است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق)
 ۴. نسبت به خصوصیات و شرایط معامله ابهام وجود داشته باشد و پرداخت عوض با آن شرایط خطری باشد: مثل جهالت در سررسید بیع نسبه (خمینی، ۱۴۲۱ق)؛ البته اثبات اشتراط علم به عوضین و اشتراط علم به سایر امور مربوط به بیع، همه موقوف به پذیرش جبران ضعف دلالت حدیث نفی غرر به وسیله فهم مشهور یا استناد فریقین است و اگر کسی چنین مبنایی نداشته باشد، چنین اشتراطی را نیز نخواهد پذیرفت. (علیدوست، ۱۳۹۵)
- از آنچه بیان شد چنین می‌توان نتیجه گرفت:

۱. اصل در این قاعده حدیث معروف «نَهَى عَنْ بَيْعِ الْغَرَرِ» است.
۲. بحث از سند حدیث و به تبع آن بحث از سند قاعده، پس از آن که عالمان شیعه و سنی به آن استناد کرده‌اند و از شعارهای دین شده است، لازم نیست. حضرت امام رحمه الله نیز در این مسأله مانند مشهور عمل کرده است.
۳. برای واژه غرر - با قطع نظر از حدیث - معانی متعددی ذکر شده که می‌توان برخی را به برخی دیگر برگرداند.



۴. اغلب فقها بلکه تمام آنها با استناد به حدیث نفی غرر بر «اشترای قدرت بر تسلیم عوضین»، «اشترای علم به عوضین» و «اشترای علم به امور مربوط به بیع»، حکم نموده‌اند. امام رحمہ اللہ گرچه در آغاز بحث «اشترای قدرت» را انکار می‌کند؛ لکن در نهایت، نظر مشهور را می‌پذیرد.

۵. اگر مبنای «جبران ضعف دلالت به وسیله استناد مشهور» را نپذیریم، شوکت قاعده نفی غرر و آثار فقهی آن فرو می‌ریزد؛ اما اگر آن مبنا را قبول کنیم، تکیه گاه مهمی برای پاسخ مسائل بسیاری خواهد بود (علیدوست، ۱۳۹۵).

تمایز دو مفهوم غرر و غرور

اگر شخصی به واسطه فریب دیگری، کاری را انجام دهد که موجب ورود ضرر و زیان شود به آن غرور می‌گویند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین می‌توان تفاوت‌های غرر و غرور را به این صورت بیان کرد:

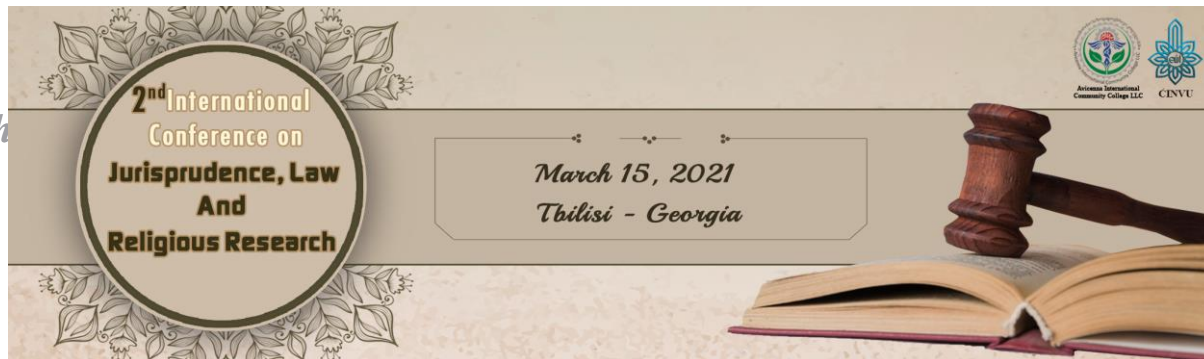
- برای تحقق غرور باید فعلی باشد تا به واسطه آن دیگری را فریب دهند؛ اما در غرر طرفین به حقیقت امر جاهل هستند و فعلی عامداً در این بین وجود ندارد؛ لذا به عنوان مثال اگر شخصی بداند که مکان مال مالکی که آن را گم کرده کجاست و به مالک نگوید و آن را به قیمت بسیار پائینی خریداری کند، در این صورت او فروشنده را فریب داده و این عقد تحت قاعده غرور قرار می‌گیرد؛ اما اگر خریدار از محل مال مفقود شده آگاه نباشد این معامله غرری است.
- غرر موجب بطلان عقد است؛ اما غرور اختیار فسخ معامله را به مغرور می‌دهد؛ همانطور که فقها فرموده‌اند: «المغرور یرجع الی من غره». (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹)
- غرور از عیوب رضا محسوب می‌شود که اگر فروشنده می‌دانست شاید به آن معامله رضایت نمی‌داد اما غرر از عیوب اراده نیست بلکه باعث ایراد در شرایط موضوع معامله می‌شود. (طالب احمدی، ۱۳۸۰)

دو سوال اساسی در شناخت غرر

با توجه به بررسی‌هایی که تاکنون درباره نظرات و دیدگاه‌های فقهای گذشته و معاصر صورت گرفته است، باید مشخص شود که کدام یک از دیدگاه‌های سه گانه مطرح شده در معنای اصطلاحی غرر، می‌تواند ملاک مناسب‌تری برای تشخیص معاملات غرری باشد؛ لذا به طرح دو سوال اساسی و پاسخ به آنها می‌پردازیم.

سوال اول: آیا جهالت در معاملات برای تحقق معامله غرری کفایت می‌کند یا خیر؟

آنچه بر اساس مجموع نظرات فقها در باب ملاک غرر می‌توان عنوان کرد این است که: «غرر در بیع یا هر نوع قرارداد، زمانی تحقق می‌یابد که جهالت منتهی به خطر در آن باشد یا یکی از عوضین در موضع خطر قرار گیرد و عوض در مقابل آن از نظر ارزش، هم‌خوان و معادل نباشد»؛ البته باید دانست که مخاطره موجود در غرر که شریعت قائل به ممنوعیت آن شده است، مخاطره‌ای است که نسبت به ارکان یک قرارداد و یا معامله وجود دارد و فقها قائل به ممنوعیت پذیرش



مخاطره در مطلق سرمایه گذاری نیستند. به عبارت بهتر مخاطره در وجود کالای موضوع معامله و مخاطره در دستیابی به آن کالا و برخی از شرایط دیگر آن معامله را شامل می‌گردد و آینده دارایی را در برنخواهد گرفت. (علیزاده اصل؛ موسویان، ۱۳۹۴)

اگر در یک معامله‌ای، هیچ‌گونه مخاطره‌ای برای طرفین وجود نداشته باشد، معامله غرری تحقق پیدا نخواهد کرد؛ لذا جهالت صرف نمی‌تواند مبنای مناسبی برای وقوع غرر باشد، بلکه لازمه آن یعنی «خطر جدی یا غیر قابل تسامح برای طرفین» اهمیت دارد.

سوال دوم: ملاک وجود خطر در یک معامله چیست و خطر در چه صورتی محقق می‌شود؟

عرف و عقلا هر خطری را موجب تحقق غرر نمی‌دانند (نجفی؛ ۱۴۰۴ ق)؛ در صورتی که ضرر قابل توجهی در یک معامله برای یکی از طرفین معامله وجود داشته باشد، آن معامله غرری است؛ زیرا احتمال ضرر کم در هر معامله‌ای وجود دارد و اکثر معاملات همراه با خطر هستند و به تعبیر شیخ انصاری، عقلا از ضرر کم به امید دستیابی به سود زیاد چشم پوشی می‌کنند. (انصاری، ۱۴۱۵ ق)

البته که بنا به گفته محقق ثانی باید عرف منضبط را ملاک تحقق غرر دانست و هر عرفی نمی‌تواند ملاک قرار گیرد. (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق)

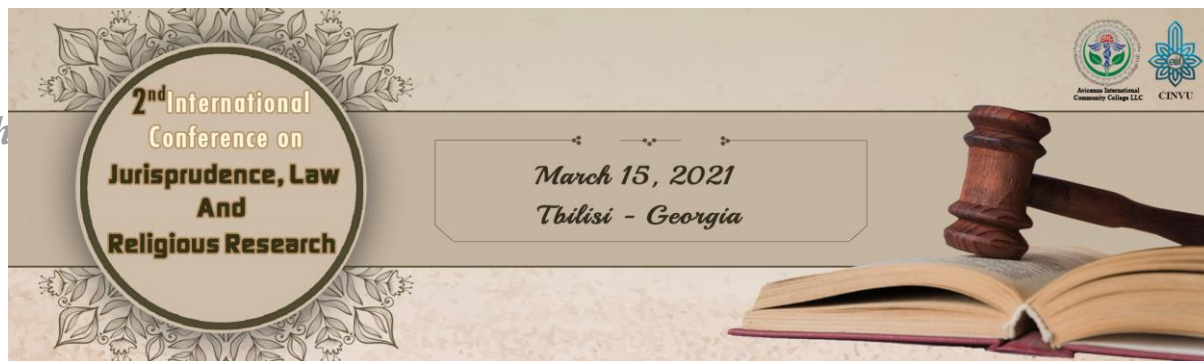
تسخیری با استناد به دلایل شیخ انصاری می‌فرماید: «غرر منع شده همان ابهامی است که منجر به مخاطره و نزاع در یک معامله می‌شود اما اگر چنین احتمالی در میان نباشد مثل مواردی که ایشان ذکر کرده اند یعنی خرید یک کالای مجهول المقدار، به قیمت قدر متیقن آن یا قیمتی که در آن برای فرد معامله گر زیانی وجود ندارد، شامل غرر و مخاطره نمی‌شود.» (تسخیری، ۱۳۹۲)

بنابراین مقصود فقها از خطر، احتمال وقوع در ضرر زیاد است.

مفهوم ریسک در منابع مالی، اقتصادی

از آنجا که به عقیده نگارندگان، مفهوم ریسک در مباحث حوزه رمزارزها، بیشتر از جهالت در ارکان نقش دارد در این قسمت از پژوهش و قبل از ابراز عقیده درباره معاملات رمزارزها ابتدا به مباحث حوزه ریسک می‌پردازیم تا این مساله نیز به خوبی تبیین گردد.

کلمه ریسک می‌تواند به نسبت مواردی که استفاده می‌شود معانی متفاوتی نیز داشته باشد؛ بنابراین برای اینکه بتوان در یک مناسبی از آن ارائه داد، باید اجزای یک موقعیت ریسکی را بررسی کرد؛ لذا زمانی که گفته می‌شود که در یک عمل یا وضعیت خاص ریسک وجود دارد به شکل ضمنی نوعی عدم اطمینان در نتیجه‌های حاصل از آن عمل اذعان می‌شود و دست کم این امکان وجود دارد که یکی از نتیجه‌های محتمل نامطلوب باشد.



در ادبیات مالی برای مفهوم ریسک تعریف‌های متعددی مطرح شده است. «هیوب» ریسک را معادل احتمال کاهش درآمد یا از دست دادن سرمایه تعریف می‌کند. مطابق دیدگاه مثبت، ریسک، هرگونه نوسان احتمالی بازده اقتصادی در آینده است و در دیدگاه منفی، ریسک به عنوان نوسان احتمالی منفی در بازدهی اقتصادی در آینده تعریف می‌شود. «گالیب» ریسک را پدیده‌ای می‌داند که بتواند در انتظارات سرمایه‌گذاران نوعی انحراف پدید آورد (راعی و سعیدی، ۱۳۸۳) و در دیدگاه «راس وسترفیلد» ریسک در مفهوم عام، خطری است که به علت نبود اطمینان در مورد وقوع رویدادی در آینده پدید آمده؛ عدم اطمینان بالاتر سرچشمه ریسک بیشتر است. (Ross, Westerfield, 2005) بنابراین بررسی متن‌های مالی نشان می‌دهد که نوسان و عدم اطمینان صرف، در تعریف ریسک بیشتر مورد تاکید است. (موسویان، علیزاده اصل، ۱۳۹۴)

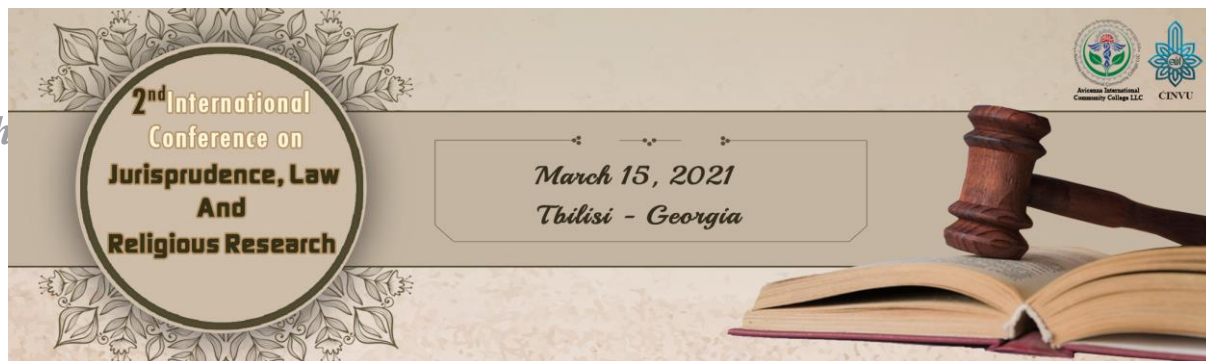
بررسی مفهوم ریسک از منظر شریعت

ورود در هر معامله‌ای این را می‌طلبد که مقداری از ریسک را بپذیریم و دین اسلام نیز پذیرش تمامی ریسک‌ها را ممنوع نساخته است؛ چه اگر ممنوع بود، تقریباً هیچ معامله‌ای تحقق پیدا نمی‌کرد. شریعت اسلام با بیان قواعدی مانند تبعیت سود و زیان از هزینه و سرمایه‌گذاری و امضای عقود مشارکتی مانند عقد مضاربه، اصل پذیرش ریسک را مورد تایید قرار داده است؛ بنابراین فقها یکی از حکمت‌های تحریم ربا را نبود پذیرش در ریسک می‌دانند. (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق) برای پذیرش هر ریسکی علاوه بر توجه به بازدهی هر فعالیت اقتصادی باید آن مقدار ریسک را در چهارچوب عقل و وحی بررسی نمود تا مصداق غرر و به تلف و هلاکت انداختن مال نباشد. در نگاه دینی مشخص است معاملات که موجب مخاطره بسیار و وقوع در غرر، سفته و قمار شود مجاز نیست و از منظر شریعت به عنوان عوامل محدودیت در پذیرش ریسک و تحمل مطرح شده است. (موسویان، علیزاده اصل، ۱۳۹۴ش) برای وضوح بیشتر موضوع، رابطه ریسک مالی و غرر را بررسی خواهیم کرد.

رابطه ریسک مالی و غرر

هنگامی که شخصی می‌گوید «ریسک چیست؟»، در واقع از سه چیز سوال می‌پرسد: الف. عدم اطمینان ب. پیامدها ج. احتمال وقوع پیامدها؛ یعنی یک سناریو داریم که چه می‌تواند رخ بدهد و یا چه اشتباهی می‌تواند پیش بیاید؟ احتمال رخ دادن چقدر است یعنی توالی یا احتمال چقدر است مثلاً ۱٪ یا کمتر و بیشتر، و در آخر اینکه پیامدهای آن در صورت رخ دادن چگونه است؟ و اینکه چه آسیب‌هایی به وجود می‌آید؟ مثلاً چند هزار دلار ضرر خواهیم کرد؟ مجموعه این سه مولفه نشان دهنده ریسک است. (موسویان، علیزاده اصل، ۱۳۹۴ش)

در برخی از تقریراتی که از فقها در باب غرر ارائه شد؛ اگرچه منشأ غرر را علاوه بر جهالت عدم اطمینان نیز می‌دانستند؛ اما همانطور که گذشت، معامله غرری معامله‌ای است که ارکان معامله استقرار ندارد و اطمینانی به تحقق ارکان معامله وجود ندارد؛ بنابراین اصل در تحقق غرر، عدم اطمینان به ارکان معامله است که او را در خطر و زیان قرار می‌دهد؛ مثلاً



موضوع معامله مجهول باشد که البته مقصود این است که ابهام در نسبی باشد یعنی مورد معامله از جهاتی معلوم اما از جهات دیگر نامعلوم باشد این غرر را حاصل می‌کند. (بجنوردی و شیرازی، ۱۳۸۷)

عدم اطمینان، موضع مشترک بین غرر و ریسک مالی است؛ اما مسأله اصلی این است که عدم اطمینان در غرر با عدم اطمینان در ریسک مالی متفاوت است؛ زیرا عدم اطمینان در غرر به دلیل ابهام در ارکان یک قرارداد است اما عدم اطمینان در موقعیت‌های ریسک آفرین، مربوط به آینده آن دارایی یا معامله است.

درباره عامل دوم یعنی احتمال وقوع باید گفت امکان اندازه‌گیری آن در تحقق موقعیت ریسکی بسیار مهم است؛ اما امکان اندازه‌گیری خطر یا عدم امکان آن تأثیری بر تحقق غرر ندارد؛ هرچند ممکن است فرد به صورت ذهنی خطر را زیاد بداند؛ اما اندازه‌گیری یا عدم امکان اندازه‌گیری آن دخالتی در تحقق غرر ندارد.

پیامدها و نتایج به عنوان سومین عاملی که مطرح شده است حائز اهمیت است. در هر موقعیت ریسکی، پیامدها می‌تواند بازدهی بالاتر از بازده مورد انتظار یا بازدهی پایین‌تر از بازده مورد انتظار تعریف شود؛ اما در غرر فقط احتمال وقوع زیان قابل توجه مطرح است؛ یعنی فقط بخش منفی پیامدها را در خود جای می‌دهد. به عبارت دیگر اگر اصل سرمایه فرد در نتیجه ابهام در ارکان قرارداد در معرض زیان جدی قرار بگیرد، معامله غرری حاصل شده است؛ اما درجایی که نوسان در سود فرد معامله گر مطرح است معامله غرری معنا ندارد.

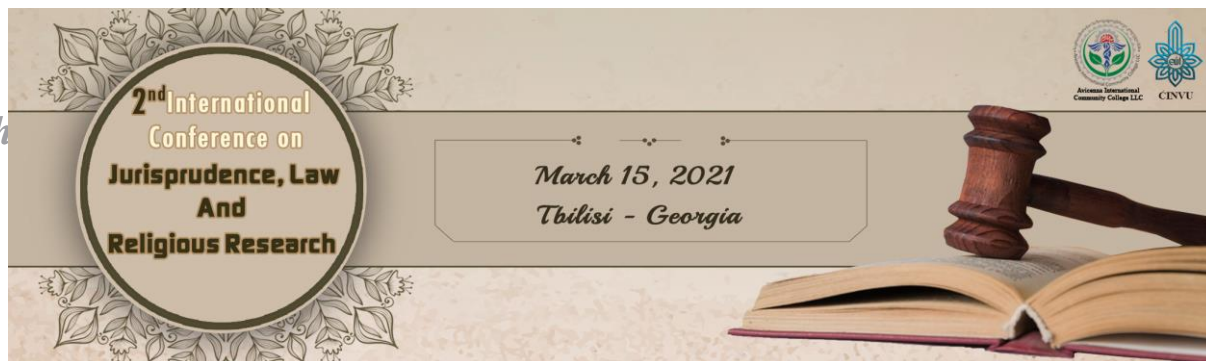
البته نکته بسیار مهمی که در اینجا وجود دارد این است که می‌توان برخی از انواع عدم اطمینان را با دسترسی به اطلاعات بیشتر و برطرف کردن کاستی‌های اطلاعاتی کاهش داد. (موسویان، علیزاده اصل، ۱۳۹۴ ش)

در واقع ریسک مالی و غرر؛ دو مفهوم متفاوت هستند؛ به عنوان مثال: اگر شخصی وارد گرفتن مواضع معاملاتی در بازار آتی (Futures) بیتکوین شود ممکن است با دو نوع خطر رو به رو باشد، یکی از انواع خطر ناشی از شفاف نبودن قیمت تحویل بیتکوین موضوع قرارداد باشد و نوع دیگری از خطر به علت مشخص نبودن قیمت آتی بیتکوین به علت نوسان قیمت آن باشد. نوع اول خطر که به علت عدم اطمینان در عناصر قرارداد پدید آمده است، موجب غرری شدن معامله می‌شود؛ اما نوع دوم به مفهوم ریسک استاندارد مالی برمی‌گردد که به علت نوسانات آتی در قیمت دارایی (بیتکوین) پدید آمده است.

بنابراین در بیع غرری نوعی ریسک قراردادی وجود دارد که به دلیل عدم تقارن اطلاعات یکی از طرفین معامله، موجب پذیرش ریسک بالاتر از سوی او خواهد شد؛ به عبارتی غرر نقطه مقابل شفافیت و معلوم بودن است و برای رفع آن در معاملات مالی، باید عدم تقارن اطلاعاتی مرتفع شود و شفافیت در یک معامله وجود داشته باشد.

بررسی تحقق چالش غرر در رمزارزها

کسانی که قائل به شبهه غرر در معامله رمزارزها هستند، می‌گویند اصل وجود رمزارزها، اعتباردهنده، هدف از انتشار و ارزش آنها همگی مبهم است و به همین دلایل مطرح شده، معامله با آنها را مصداقی از مصادیق قاعده نفی غرر دانسته و آن را باطل می‌دانند. (نواب پور و همکاران؛ ۱۳۹۷) ذیلاً به بررسی چالش‌ها می‌پردازیم:



۱. به دلیل عدم توانایی در ردیابی رمزارزها و تشخیص دارایی هر فرد، در اصل وجود رمزارزها جهالت وجود دارد و متباین نمی‌توانند مطمئن باشند که آیا دیگری مبیع یا ثمن را در اختیار دارد یا خیر؟ زیرا این نوع از عوضین فیزیکی نیستند تا به راحتی قابل تشخیص باشند.

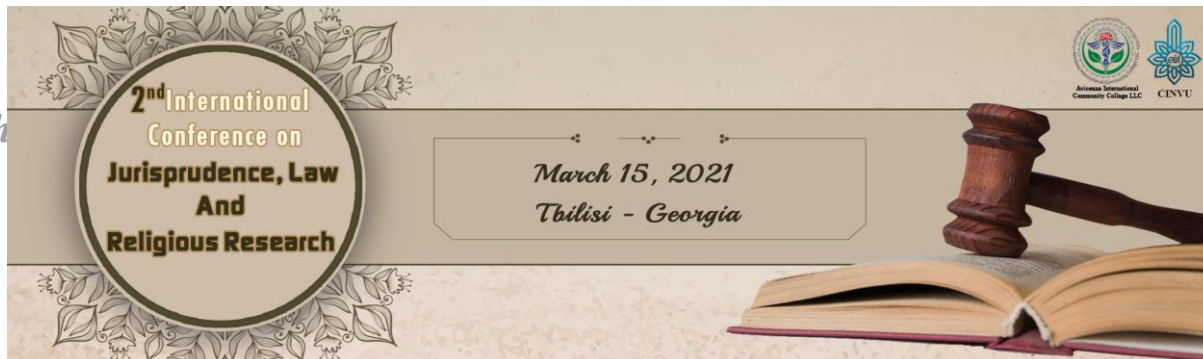
معمولاً معامله رمزارزها در صرافی‌ها انجام می‌شود و آنها ابتدا از دو طرف مقدار سرمایه را گرفته و سپس در قیمتی خاص که مورد توافق طرفین است، آن معامله را انجام می‌دهند. در صورت‌های دیگر از انواع معاملاتی که می‌شود با رمزارزها انجام داد نیز می‌توان به راحتی وجود عوضین (یعنی به طور مثال بیتکوین در مقابل جفت ارز دیگر و یا در مقابل کالایی دیگر) را احراز نمود؛ اگر چه که این وجود به صورت فیزیکی نیست؛ اما مبرهن است که فیزیکی بودن عوضین جزء شروط فقهی نمی‌باشد. همچنین بعید است منظور از قبض در احکام مختلف فقهی، قبض فیزیکی باشد؛ بلکه به معنای تسلیم نمودن و تحویل دادن شیء است؛ چنانکه در پول الکترونیک متداول بانکی نیز هیچ وجه فیزیکی وجود ندارد و مورد تأیید مراجع معاصر نیز می‌باشد.

۲. ماهیت رمزارزها و ساز و کار فنی آن مشخص نیست و هنگامی که ماهیت چیزی مشخص نباشد چگونه می‌تواند وسیله مبادله قرار بگیرد؟ زیرا یکی از شرایط معامله صحیح، معلوم بودن صفات عوضین و شرایط عوضین است؛ بنابراین به این دلیل که ماهیت رمزارزها هنوز مخدوش و نامشخص است معامله با آنها صحیح نمی‌باشد.

این تصور، تصویری نادرست از رمزارزهاست؛ ماهیت رمزارزها و ساز و کار فنی آن -مثلاً اینکه نیازی به تأیید دولت مرکزی ندارد، دولت در خلق پول دخالتی ندارد، هویت فرستنده و گیرنده مخفی می‌ماند، تحت حمایت دولتی نیست، هزینه عملیاتی ناچیزی در سطح بین‌المللی دارد و سرعت انتقال بسیار بالایی دارد- و مشخصات فنی، شیوه استخراج، شیوه معامله، پروتکل‌های زمانبندی مطرح شده و تعداد سکه‌ها مشخص است و به راحتی قابل دسترس است و بر هر شخصی که در این راستا تحلیل و تحقیق داشته باشد پوشیده نخواهد بود و نقطه نامعلومی در ماهیت رمزارزها وجود ندارد به علاوه تمامی آنچه برای شناخت رمزارزها نیاز باشد، در شناسنامه آنها که به «وایت پیپر» معروف است، مطرح می‌شود که در آن درباره عمده زوایای آن توضیحات مفصلی ارائه شده است.

در خصوص بیتکوین نیز اگرچه امکان دارد طرفین از سازوکار فنی درونی آن اطلاع نداشته باشند؛ اما اجمالاً نسبت به کارکرد آن آگاهی کامل دارند و همین امر منجر به تقاضای آن می‌شود و همین علم اجالی نیز کفایت می‌کند در اینکه خطری متوجه آنان نگردد.

۳. بیتکوین و سایر رمزارزها مالیت ندارند و لذا نمی‌توانند وسیله مبادله یا عوض قرار بگیرند. شبکه‌های رمز ارزها به گونه‌ای است که اطلاعات مربوط به زمان ایجاد و دفعات و زمان‌های جابه‌جایی سکه‌های آن شبکه، در دسترس عموم است و نشان می‌دهد چه مقدار رمز ارز در کیف پول‌های کاربران وجود دارد و در چه



تاریخ‌هایی جایجا شده است و همچنین امکان دسترسی کاربران به موجودی کیف پول‌های خود به وسیله کلیدهای خصوصی نیز وجود دارد؛ لذا تملک و در اختیار قرار دادن این ارزها امری متصور و صحیح است به این معنا که این اعتبارات در اختیار افراد مشخص بوده و می‌توانند به عنوان مالک این ارزها در آنها دخل و تصرف داشته باشند.

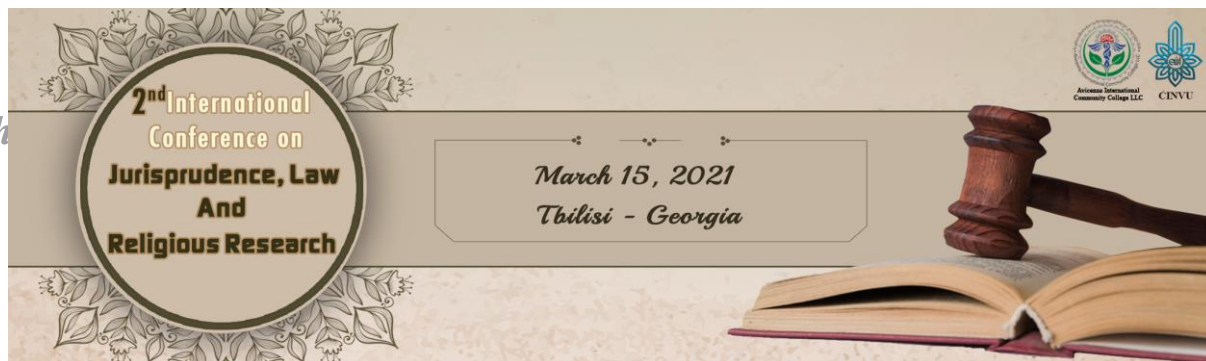
مضافاً اینکه هر آنچه نزد عرف و عقلا دارای ارزش باشد و این ارزش به جهت فایده‌ای باشد که حلال است؛ مالیت عرفی و شرعی خواهد داشت. به بیان جامع‌تر؛ شیء با احتساب چهار شرط، مالیت دارد: ۱. منفعت یا خاصیت ۲. رغبت عقلا بر جمع‌آوری آن به جهت منفعت و خاصیتش ۳. پرداخت مال توسط عقلا در قبال آن ۴. عدم نهی شارع از خاصیت و منفعتی که مقوم مالیت آن است. در ادامه تحقق این چهار شرط تفصیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد:

تحقق شرط اول: رمز ارزها به سبب کاربردهایی همچون ابزار پرداخت در خرید بسیاری از کالاهایی که توسط فروشگاه‌های اینترنتی و حتی فروشگاه‌های غیر اینترنتی ارائه می‌شود و همچنین دیگر موارد پرداخت، مانند: ادای دین، پرداخت وام، پرداخت حقوق کارمندان و اهدای هدیه به دوستان و ... دارای منفعت است.

تحقق شرط دوم: برای احراز این شرط لازم است تا رفتار عرف و عقلا در این رابطه سنجیده شود. ملاحظه چگونگی مواجهه آشنایان با این بازار به خوبی حاکی از میل مردم بر جمع‌آوری رمز ارزها به منظور انتفاع از منافع رمزارزها در زمینه‌هایی مانند مواردی که در بالا اشاره شد و به ویژه بهره‌مندی از سود حاصل از معامله این ارزها است، به گونه‌ای که حجم تبادل روزانه این ارزها روزانه افزون بر صد میلیارد دلار است، از همه مهم‌تر اینکه یکی از اهداف فعالان در این بازارها، ذخیره ارزش توسط این ارزهاست به گونه‌ای که نزدیک به ۷۰ درصد رمز ارزها ساکن بوده و در گردش نیستند. نکته قابل دقت در مورد منفعت و خاصیت کالاهای، لحاظ نمودن فایده‌ای است که با توجه به کارایی کالا، برای آن متصور است؛ لذا در مورد رمزارزها که کارایی آنها شبیه اقلامی همچون پول و سکه طلا است و از منافع رایج آنها واسطه تبادل یا ذخیره ارزش است (سلطانی، اسدی، ۱۳۹۴) باید اذعان داشت منفعت مورد انتظار در رمزارزها وجود دارد. برای نمونه خرید دیگر کالاهای یا جابه‌جایی سریع حجم زیاد پول از کشوری به کشور دیگر با کارمزد کم که در رمز ارزهایی مانند «استلار» و «ریپل» به خوبی مشهود است.

تحقق شرط سوم: همانگونه که اشاره شد؛ عقلا روزانه مبادلات زیادی در صرافی‌های رمز ارزها انجام می‌دهند که نشان از پرداخت پول در برابر این ارزهاست. البته باید توجه شود شبکه‌های رمزارز که شرکت مؤسس آن توان اعتمادسازی فعالان و افراد حاضر در بازار رمزارزها را ندارند، سکه‌هایشان نزد جامعه مخاطب رمزارزها چندان ارزشی ندارد و به همین جهت نمی‌توان مدعی شد که عقلا راغب به گردآوری و جمع‌آوری آن هستند و به همین جهت در بازار رمزارزها تقریباً برای آنان ارزش‌گذاری نمی‌شود و تنها به عنوان توکن‌های برخی نرم افزارها و به منظور انجام عملیات‌های درون برنامه‌ای آن شبکه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تحقق شرط چهارم: با در نظر گرفتن دو ویژگی «واسطه مبادله بودن» و «وسیله جابجایی پول به دیگر نقاط دنیا» توسط رمزارزها که هر دو کارایی نیز فی‌نفسه مباح هستند، می‌توان نتیجه گرفت که این ارزها فایده حلال دارند.



بنابراین هر چهار ویژگی معتبر برای مالیت شرعی یک شیء، در رمز ارزها وجود دارد و بر همین اساس مالیت شرعی این ارزها در مواردی که عموم فعالان این بازار برای سکه‌های یک شبکه، ارزش قائل باشند پذیرفته می‌گردد.

۴. معامله با رمزارزها غرری است زیرا اعتبار دهنده با آنها مشخص نیست و همین جهالت در اعتبار دهنده، موجب جهالت خطرناکی است که موجبات غرر را فراهم می‌کند.

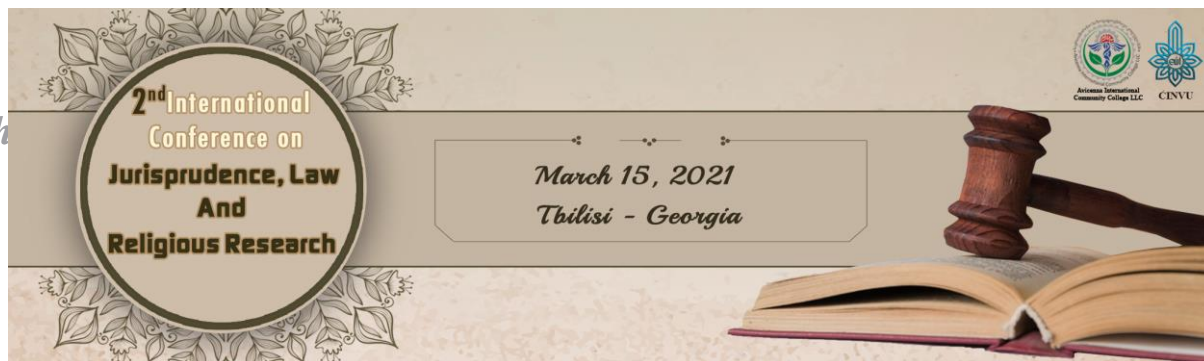
در خصوص اهمیت مخترع و بازیگردانان رمزارزها باید گفت که اگر احتمال عقلایی در خصوص پدید آمدن خسارت بزرگی وجود داشته باشد، احتیاط لازم است؛ اما تاکنون هیچ دلیلی برای وجود چنین احتمالی توسط متخصصین بیان نشده است.

۵. موضوع قرارداد در رمزارزها مشخص نیست و این یکی از دلایل غرری شدن معامله با رمزارزهاست.

موضوع قرارداد یعنی آگاهی و وجود شفافیت در نوع قراردادی که طرفین با یکدیگر منعقد می‌کنند و تمام لوازم و تعهداتی که آن قرارداد برای طرفین پدید خواهد آورد؛ به طور مثال افرادی که در واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری که بر اساس پیش‌بینی سود طراحی شده است، سرمایه‌گذاری کرده‌اند اما نسبت به قوانین حاکم بر آن آگاهی ندارند و فرد سرمایه‌گذار نمی‌داند که ماهیت این صندوق‌ها به گونه‌ای است که ممکن است مبلغی را که در صندوق، سرمایه‌گذاری کرده، کمتر از میزان اولیه یا بیشتر از مبلغ اولیه شود، وارد نوعی معامله غرری شده است. تصور سرمایه‌گذار بر این است که با وجود ضامن نقدشوندگی، اصل پول وی در معرض خطر نیست؛ اما ممکن است بعد از مدتی اصل پول سرمایه‌گذار نیز کمتر از مقدار اولیه گردد؛ که البته این مشکل می‌تواند با آگاهی بخشی و کسب اطلاعات به آسانی مرتفع گردد؛ به علاوه تمامی قوانین، کارمزدها، و شرایط خرید و فروش در مکان‌هایی که به معامله رمزارزها می‌پردازند مشخص و نوشته شده است و به راحتی قابل دستیابی است.

۶. رمزارزها پشتوانه قوی ندارند و این موجب غرری شدن معامله با آنها می‌شود.

بحث از پشتوانه، اصلاً یک بحث فقهی نیست؛ بلکه ضرورت داشتن پشتوانه، یک امر اقتصادی تاریخی است و ارتباطی با فقه ندارد. بحث پشتوانه در اقتصاد به این دلیل اهمیت دارد که منجر به تعیین میزان مالیت آن پول می‌شود و گرنه پول، مالیت خود را در ازای خدمت و فایده‌ای که مردم و دولت برای آن جعل کرده‌اند - یعنی ذخیره ارزش، وسیله مبادله و محاسبه - به دست می‌آورد؛ البته میزان ارزش و مالیت آن تابع میزان حجمش در ارتباط با کالاها و خدمات قابل مبادله با آن است؛ اما اگر بنا شد که پول کاغذی پشتوانه فیزیکی همانند طلا و نقره نداشته باشد، باید تبعات آن از منظر فقه بررسی شود. این مسأله که اسکناس کاغذی مالیت خود را از اعتبار دولت‌ها یا از هر راه دیگر مورد قبول عرف بگیرد، از منظر فقه بلا اشکال است؛ اما تبعات آن از قبیل کاهش ارزش پول (نوعی سرقت خاموش)، خیانت در امانت



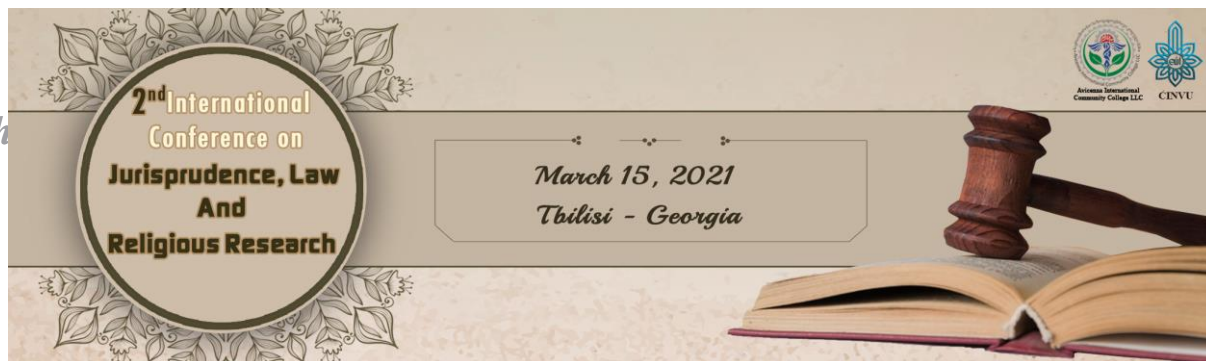
توسط سیاست‌های اشتباه دولت و تطابق نظام خلق پول با ربا، خالی از اشکال نخواهد بود. در رمزارزها نیز همانند اسکناس بانکی هیچ پشتوانه فیزیکی وجود ندارد و مالیت خود را از مطلوبیت میان عقلا به دلیل فراهم آوردن بستری امن و سریع برای انتقال دارایی و محدود بودن گرفته است؛ به طوری که عقلا برای بدست آوردن آن با هم به رقابت می‌پردازند؛ لذا مالیت دارد و نیازی به بحث درباره پشتوانه نیست؛ البته همانند اسکناس و سایر پول‌های بانکی میزان ارزش و مالیت آن تابع میزان حجم آن در برابر کالاها و خدمات قابل مبادله است. (نواب پور، یوسفی، طالبی، ۱۳۹۷)

۷. جهالت و عدم وجود شفافیت در اطلاعات اثرگذار بر ارزش رمزارزها نیز از موجبات غرر برشمرده شده است.

برای حل این مسأله نیاز است تا تمام اطلاعات در الگویی شفاف در اختیار تمام سرمایه گذاران قرار بگیرد؛ به طور نمونه؛ افرادی که به سرمایه گذاری در سهام شرکت‌های حاضر در بورس یا سهام پروژه‌ها اقدام می‌کنند باید در زمان مناسب به تمام اطلاعات پراهمیت در ارزش آن سهم یا به «IPO» پروژه دسترسی داشته باشند. اگر در مورد شرکتی که برای عرضه اولیه به سرمایه گذاران ارائه می‌شود، یکی از اطلاعات اثرگذار مانند برنامه کسب و کار یا بودجه سال بعد را ارائه ندهد و سرمایه گذاران بعد از معامله با دسترسی به اطلاعات جدید در معرض خطر قرار گیرند، طبیعی است که این معامله غرری خواهد بود؛ در رمزارزها نیز تمام این موارد به صورت شفاف بیان شده و حتی در صورت تحقیق و مطالعات بیشتر در تحلیل‌های تکنیکال و فاندامنتال می‌تواند به راحتی این مشکلات را نیز مرتفع نمایند.

۸. در معاملاتی که در حوزه رمزارزها انجام می‌شود متباین معلوم نیستند و این مشکل می‌تواند معامله غرری سازد.

معاملات رمزارزها به بین دو شخص یا به صورت مستقیم و یا با یک نماینده صورت می‌گیرد؛ در صورت اول، امکان انعقاد معامله در محیط فوق با مراعات شرایط شرعی وجود دارد؛ زیرا شرایط انشاء معامله عبارتند از: اصل انشاء ایجاب و قبول که در این حالت امکان انشاء وجود دارد و تطابق بین ایجاب و قبول که در این حالت امکان رعایت تطابق وجود دارد، همچنین امکان آگاهی از ایجاب برای قبول متأخر و یا آگاهی از قبول برای ایجاب متأخر نیز مسلماً وجود دارد. اما شرایطی مانند ترتیب بین ایجاب و قبول، موالات بین ایجاب و قبول، منجز بودن انشاء عقد، اعتبار اهلیت هر کدام از متعاقدین در زمان انشاء دیگری و ایجاب خاص معتبر نیست. همچنین رعایت شرایط عوضین، امکان پذیر است. اما در مورد شرایط متعاقدین؛ به دلیل اینکه ارتباط بصری و کلامی برقرار نیست لازم است تا از راهی احراز شود که در این نوع از معاملات اینترنتی نیز تدابیری اندیشیده شده است؛ همچون امضای دیجیتال که مورد تأیید نهادهای معتبر دولتی یا بارگذاری مدارک شناسایی برای انجام معامله که می‌تواند تا حدودی به آگاهی از وجود شرایط معامله در طرف مقابل کمک کند. در هر صورت در معامله اینترنتی باید صلاحیت طرف مقابل اثبات گردد و الا قرار داد منعقد شده به دلیل عدم احراز برخی از شرایط معامله، محکوم به بطلان خواهد بود.

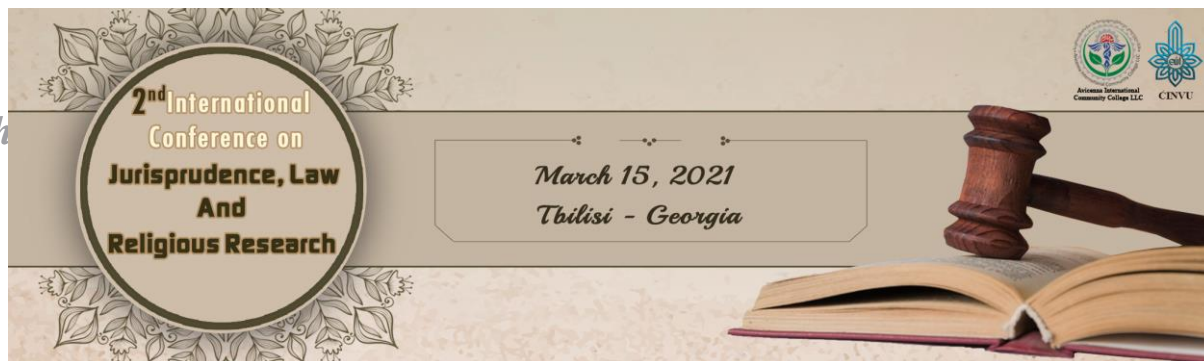


در صورت دوم نیز اصل انشاء ایجاب و قبول معتبر است و انشاء ایجاب و قبول در این نوع از تجارت به این بیان است که فرد استفاده کننده از نماینده الکترونیک با ارسال نماینده به فضای اینترنت بر اساس پروتکل‌هایی که برای نماینده تعریف کرده است تا در چارچوب آن ضوابط اقدام به معامله کند. در واقع از همان زمان، انشاء خود را انجام داده است چه اینکه موجب باشد یا قابل و این انشاء مادامی که طرف معامله اقدام به متوقف کردن نماینده نکرده است، باقی خواهد بود و با توجه به عدم اعتبار توالی و اکتفاء به صدق عرفی عقد و بقاء التزام و ایجاب موجب، باید اظهار داشت که جنس ایجاب کتبی و داده پیام در محل بحث به گونه‌ای است که تا موجب از آن منصرف نشده باشد ادامه دارد، لذا با پیوستن قبول بعد از مدت زمانی به ایجاب ایجاد شده، باز هم عقد از این جهت صحیح است. همچنین آگاهی قابل از ایجاب در قبول متأخر و یا آگاهی موجب از قبول برای ایجاب متأخر به این صورت قابل تصور است که شخص برای نماینده‌اش شرایط را تعیین می‌نماید و نماینده در دایره خواست وی اقدام به معامله می‌کند؛ پس در زمانی که نماینده اقدام به انشاء می‌کند، قابل در واقع پیشاپیش از انشاء نماینده‌اش آگاه است و می‌داند او وارد چه معاملاتی خواهد شد و چه معامله‌ای را اجراء و امضاء خواهد کرد؛ لذا از ایجاب‌های احتمالی که نماینده‌اش آنان را قبول خواهد کرد آگاهی دارد. رعایت تطابق بین ایجاب و قبول هم در این نوع از تجارت ممکن است و اشکالی از این جهت نیست؛ اما شرایطی مانند: تقدم ایجاب بر قبول، موالات بین ایجاب و قبول، منجز بودن انشاء عقد، اعتبار اهلیت هر کدام از متعاقدين در زمان انشاء دیگری معتبر نیست. همچنین خاص بودن ایجاب نیز شرط نیست؛ که البته در صورت اشتراط این دو شرط نیز امکان رعایت آن در این نوع از تجارت وجود دارد؛ زیرا پس از احراز هویت طرف معامله، تعیین وی نیز صورت می‌گیرد و همچنین برای ایجاب خاص؛ نماینده با ورود به معامله با افراد در واقع معامله را با افراد خاص انجام می‌دهد و طبیعتاً ایجاب خاص صورت می‌گیرد.

همچنین شرایط عوضین نیز مراعات می‌شود، زیرا در معاملات اینترنتی به وسیله شخص، از ابتداء نماینده عوض و معوض را مشخص می‌کند؛ لذا در معامله‌ای که انجام خواهد شد، عوضین برای وی از پیش معین است. همچنین امکان احراز نسبی شرایط متعاقدين در معامله به وسیله نماینده وجود دارد؛ زیرا طرح ساز می‌تواند نماینده خود را به گونه‌ای تنظیم کند که پس از انجام مراحل احراز مانند اسکن مدارک طرف مقابل یا وجود امضای الکترونیک مورد تأیید مراجع قانونی قابل اعتماد، معامله را انجام دهد.

۹. بیتکونین و سایر رمزارزها دارای نوسانات قیمتی بسیار زیادی هستند و همین امر نیز موجب غرری شدن معامله می‌گردد؛ زیرا ممکن است خطر عظیمی را به همراه داشته باشد.

برخی از فقها به این موضوع استناد کرده‌اند که نوسانات قیمتی بیتکونین و رمزارزها و عدم تثبیت قیمت در طولانی مدت باعث می‌شود که این نوع از معامله غرری محسوب شود و نتوان با آن معامله‌ای انجام داد؛ اما باید گفت نوسانات یک عامل خارجی هستند که در تعیین اعتبار پول و ارزش نقشی ندارد و قیمت‌ها همیشه براساس قاعده عرضه و تقاضا تغییر می‌کنند و اگر قرار باشد که بر اساس نوسانات قیمتی که در آینده پیش می‌آید بگوییم معامله‌ای غرری و باطل است،



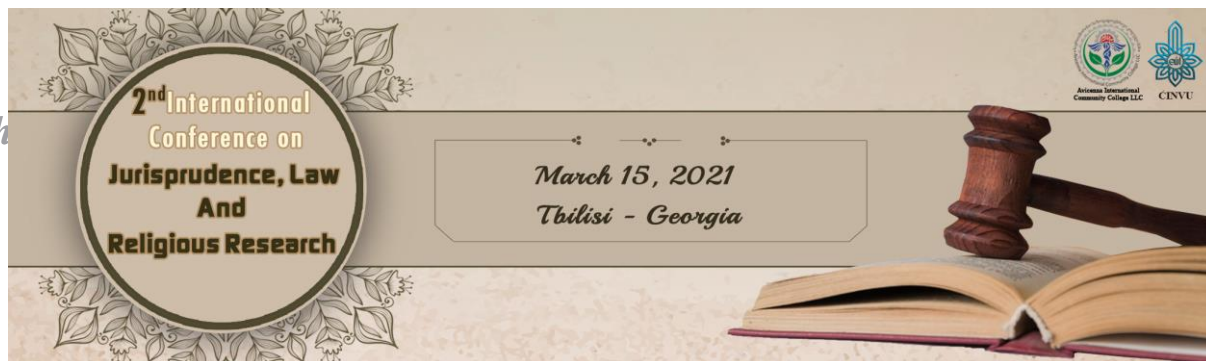
تجارت دلار، یورو، طلا نیز غیر شرعی می شود؛ یک اقتصاد با مقیاس بزرگ برای تثبیت قیمت بیتکوین، باید کاربران و کسب و کارهای بیشتری را توسعه دهد. برای توسعه یافتن یک اقتصاد به اندازه‌ای بزرگتر، کاربران و کسب و کارها در پی ثبات قیمت‌ها خواهند بود. بسیاری از کاربران بیتکوین را به دلیل امکانات و ویژگی‌های منحصر به فرد و مفید آن برگزیده‌اند. با چنین راهکارها و مشوق‌هایی، امکان رشد و بلوغ بیتکوین و توسعه آن، تا مرحله‌ای که نوسانات قیمت در آن محدود گردد، وجود دارد. (بهرامی، شهری، قلی پور، ۱۳۹۲)

هیچنین در مباحث حوزه ریسک استاندارد مالی نیز به این موضوع پرداخته شد که عدم اطمینان درباره آینده یک کالای خریداری شده یا یک معامله نمی‌تواند موجب غرری شدن آن معامله شود.

نتیجه گیری

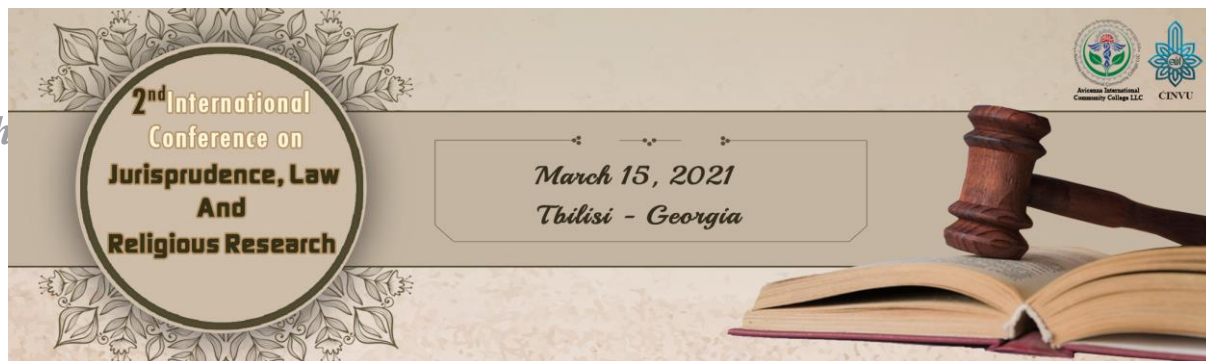
اسلام عزیز با مطرح کردن قاعده غرر در واقع به دنبال این است تا حق کسی ضایع نگردد و از هلاکت اموال و نزاع‌هایی که پس از معامله صورت می‌پذیرد جلوگیری کند و سعی می‌کند تا از ریسک‌های غیرقابل جبران و قابل پیشگیری جلوگیری به عمل آورد و برای تحقق این مهم، ملاکاتی را بیان نموده تا بتوان محل جریان قاعده غرر را یافت؛ بعد از اینکه معنای غرر از منظر لغت و فقها روشن شد، و روشن شد که خطری که به علت وجود غرر در معامله پدید می‌آید، نوعی خطر غیرقابل قبول است که به عدم اطمینان در ارکان قرارداد مربوط است و این مخاطره را می‌توان با کوشش بیشتر و پدیدساختن شفافیت در ارکان قرارداد کاهش داد اما خطر در مفهوم استاندارد ریسک مالی، نوعی خطر قابل قبول می‌باشد که مربوط به آینده دارایی است که افراد با کوشش بیشتر آن را در دامنه محدود می‌سازند؛ البته باید توجه داشت که هر معامله‌ای با خطر یا نوعی ریسک عام همراه است، مهم این است که از حدی محدود و قابل کنترل فراتر نرود.

با توجه به اینکه در زمینه غرر تحقیقات بسیاری انجام شده است و هم چنین درباره دیگر علل مانع از صحت مبادله رمزارزها اما تطبیق شرایط بر مساله رمزارزها بسیار کم انجام شده و تحقیقاتی که به صورت گسترده به این موضوع پرداخته باشند بسیار کم است؛ در حالی که این پدیده نوظهور یعنی رمزارزها می‌تواند گشایش بسیاری را چه در مسائل اقتصادی درون مرزی و چه در مسائل برون مرزی و جلوگیری از تحریم‌های دشمنان، عدم امکان خلق بی رویه پول و سرعت بسیار بالا در انتقالات بین المللی ایجاد نماید؛ لذا لازم است تا اندیشمندان و فقها دقیق تر و بیشتر در قواعد صحت و یا قواعد مانعیه این مبحث ورود نمایند و آن را از جهات مختلف بررسی نمایند.

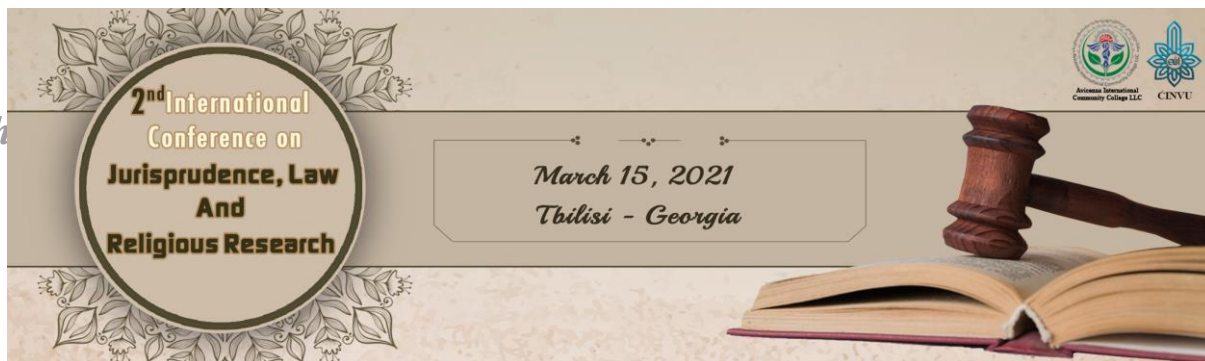


منابع

- ابن اثیر، ۱۳۶۴، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ص ۳۵۵.
- ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء تراث العربی، ج ۵، ص ۱۳-۱۴.
- ابوحیب، سعدی ۱۴۲۴ق، القاموس الفقہی لغه و اصطلاحا. چاپ دوم، دمشق، دارالفکر، ذیل واژه غرر.
- اسلامی طراقی، مریم، صباغ زاده، فرزانه، ۱۳۹۷، چالشها و راهکارهای ارز دیجیتال در ایران، پنجمین اجلاس ملی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، انجمن مدیریت ایران، ص ۱۲
- اصفہانی، محمد حسین، ۱۴۰۹ق، الاجاره، قم، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ص ۲۶۹
- انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، کتاب البیع، ج ۴، ص ۱۷۸-۱۸۲
- بختیارزاده محمد جواد، ۱۳۸۸، بررسی علل و ریشه های بحران اقتصادی ۲۰۰۸ آمریکا و ارائه راهکارها، بررسی های بازرگانی دوره جدید آذر و دی، شماره ۳۸.
- بهرامی، زهرا، شهری، زهرا، گودرزی، فهیمه، ۱۳۹۲، نگاهی نو به ماهیت اقتصادی و فقہی پول رمزپایه، همایش بین المللی مدیریت، حسابداری و اقتصاد دانش بنیان.
- تفقدی اسراری، حسین، ۱۳۹۲، تاریخچه پول و روند تکامل آن، فصلنامه تاریخ پژوهی شماره ۵۴.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲، تقریرات درس خارج فقہ، برگرفته از کتابخانه مدرسه فقاہت.
- جوهری اسماعیل، ۱۴۰۷ق، صحاح تاج اللغه و صحاح العربیہ، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، جلد ۲، ص ۷۶۸.
- حجازی، محسن و محمدعلی زارع، ۱۳۹۷، کارکرد ارز رمزنگاری شده (پول دیجیتال)، اجلاس ملی تحقیقات نوین در مهندسی کامپیوتر برق فناوری اطلاعات، مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه.
- حلی، حسن ابن یوسف مطهراسدی، ۱۴۱۳ق، مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ج ۵، ص ۲۴۳.
- _____، ۱۴۱۴ق، تذکره الفقہاء، قم موسسه آل البیت، چاپ اول، ج ۱، ص ۴۶۸.
- خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۷، مصباح الفقاهة، قم داوری، ج ۵، ص ۲۵۷-۲۶۱
- _____، ۱۴۱۴ق، موسوعه الامام الخوئی، مؤسسه الخوئی الإسلامیة، ج ۳۰، ص ۳۵
- راعی رضا و علی سعیدی، ۱۳۸۳، مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، تهران، انتشارات سمت، چاپ ۱.
- رحیمی حسن، بهروزیه سمیرا، ۱۳۹۷، بررسی سرمایه گذاری در ارزهای دیجیتالی در ایران، اولین همایش ملی مدیریت و اقتصاد با رویکرد اقتصاد مقاومتی.
- زبیدی، محمد مرتضی، ۱۳۰۶، شرح تاج العروس من جواهر القاموس، مصر، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ج ۳، ص ۴۳۳



- سبحانی جعفر، ۱۳۸۸، تقریرات درس خارج فقه، برگرفته از کتابخانه مدرسه فقاهت.
- سلطانی، محمد؛ اسدی، حمید، ۱۳۹۴، ماهیت حقوقی پرداخت در پول الکترونیک، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱۶
- سلیمانی پور محمد مهدی؛ سلطانی نژاد، حامد؛ پور مطهر، مهدی، ۱۳۹۶، بررسی فقهی پول مجازی، دو فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، سال ششم شماره دوم.
- شرتونی، سعید، (بی تا)، أقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد، منظمة الاوقاف و الشؤون الخیریة، دار الأسوة للطباعة و النشر، ج ۲، ص ۸۶۷.
- شهید اول، عاملی، محمد ابن مکی، ۱۴۰۰ ق، القوائد و الفوائد، قم، کتابفروشی مفید، ج ۲، ص ۱۳۷-۲۳۹.
- _____، ۱۴۱۴ ق، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱، ص ۱۵۸.
- ضریر الصدیق محمد الامین، ۱۴۱۰ ق، الغرر و اثره فی العقود فی الفقه الاسلامی، ص ۳۳۹
- طالب احمدی، حمید، ۱۳۸۰، تاثیر غرر در معاملات، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دره هفدهم، شماره اول.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۳ ق، مجمع البحرین، بیروت، دار احیاء تراث العربی، ص ۴۲۳.
- طوسی، محمد ابن حسن، ۱۳۸۷ ق، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، ص ۱۵۶-۱۵۸.
- _____، ۱۴۰۷ ق، الخلاف، قم دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۶ جلدی، چاپ اول، ص ۱۰۸.
- شهید ثانی، عاملی، زین الدین ابن علی، ۱۴۱۳ ق، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ج ۵، ص ۱۷۸-۱۸۰.
- _____، ۱۴۱۴ ق، حاشیه الارشاد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ج ۲، ص ۳۴-۳۸.
- _____، ۱۴۲۲ ق، حاشیه المختصر النافع، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ص ۷۷.
- علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۴، قاعده نفی غرر در معاملات، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۹.
- _____، ۱۳۹۵، فقه و حقوق قراردادها (ادله عام روایی)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ص ۱۰۳-۱۹۲.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، العین، قم، ایران، موسسه دارالهجره، ج ۴ ص ۳۶۴.
- تفقدی اسراری، حسین، ۱۳۹۲، تاریخچه پول و روند تکامل آن، مجله تاریخ پژوهی، شماره ۵۴.
- صفی پوری، عبدالرحیم بن عبدالکریم، ۱۳۹۸، مُنتهی الارب فی لغات العرب، تهران، انتشارات سخن.
- موسوی بجنوردی، سید محمد؛ شیرازی، محمدرضا، ۱۳۷۸، ابهام و لزوم رفع آن از مورد معامله، فقه و مبانی حقوق، شماره ۱۳.
- موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۴۲۱ ق، کتاب البیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ج ۳، ص



۲۹۸-۲۹۵

موسویان سید عباس؛ علیزاده اصل، محمد، ۱۳۹۴، بررسی رابطه ریسک در بازارهای مالی اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۹.

موسویان سید عباس؛ علیزاده اصل، محمد، ۱۳۹۴، بررسی ضابطه غرر در معاملات جدید، دو فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، شماره اول.

میر غفوری سید حبیب الله؛ صیادی، حسین؛ دهقانی زاده، نصرت، ۱۳۹۷، مزایا و معایب ارزشهای دیجیتال با تاکید بر بیت کوین، همایش پژوهش های نوین در علوم و فناوری.

نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء تراث العربی، چاپ هفتم، ج ۳۳، ص ۳۸۸، ۱۹۰.

نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ق، عوائد الایام فی بیان قوائد الاحکام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، عانده ۸، ص ۸۴-۸۵

نواب پور علیرضا؛ یوسفی احمدعلی؛ طالبی، محمد، ۱۳۹۷، تحلیل فقهی کارکردهای پول رمزنگاری شده (مورد مطالعه بیتکوین)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۱۸، شماره ۷۲، صفحه ۸۷-۹۲

Jaffe, Jeffrey, and Ross Randolph Westerfield; Corporate finance; McGraw-Hill Education